

# تَبَع نَاتِمَام

• جویا جهانبخش

- مجموعه مقالات حقوقی، تاریخی، اجتماعی
- نعمت الله صالحی نجف آبادی
- چ ۲، تهران ۱۳۸۲ ش.

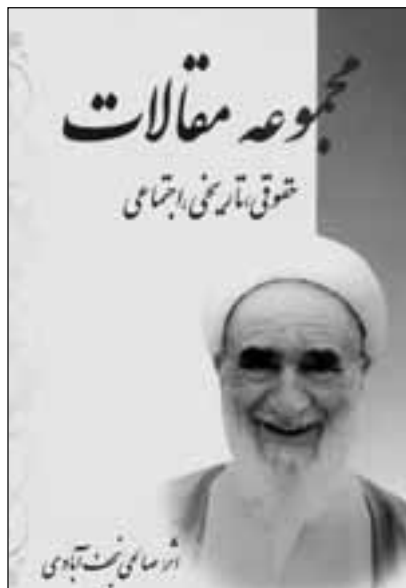
صالحی نجف آبادی را با کتاب معروفش، شهید جاوید، می‌شناسیم. اگر هیجان سال‌های آغازین انتشار شهید جاوید، نام صالحی نجف آبادی را به عنوان یک «دگراندیش» بر سر زبان‌ها انداخت، امروز اندیشه‌ای در کار است<sup>۱</sup> تا او را از معماران نوعی تفکر قلمداد کند یا<sup>۲</sup> اندیشه‌ها و نگرش‌های او را تحت عنوان «اسلام حقیقی» در برابر اندیشه و نگرش سنتی قرار دهد.

بسط «اختیارات شاد» او به حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، به نوعی مدّعی کسانانی را که از «شُدوژ» به عنوان «منهج» فکری آقای صالحی یاد کرده‌اند، تقویت می‌کند.

یکی از کتاب‌هایی که به تازگی از صالحی نجف آبادی منتشر شده مجموعه مقالات حقوقی، تاریخی، اجتماعی<sup>۳</sup> است. انتشارات امید فردا که به چاپ و نشر این دفتر اقدام کرده است، بر پشت جلد کتاب، نوشته «این اثر یکبار در سال ۱۳۶۴ [ش] به طبع رسیده است» و «در آن زمان متأسفانه افرادی مانع از توزیع آن شدند».

عناوین مقالات این مجموعه و تاریخ چاپ نخست هر یک از آنها از این قرار است:

«چرا علی (ع) زمامداری را قبول کرد؟» (اردیبهشت ۱۳۴۳/ محرم ۱۳۸۴)؛ «آیا اسلام دین خون و شمشیر است؟» (اردیبهشت ۱۳۴۴/





واقع شده است و بنا بر گزارش آقای صالحی، قول مُتداول و مشهور مبنی بر ضربت خوردن امیرالمؤمنین در محراب را شایعه‌ای خواهد پنداشت که از طریق مأخذی مجهول به بحار راه یافته و مرحوم علامه مجلسی هم بر آن اعتماد نکرده ولی بعدها از طریق ناسخ التواریخ مرحوم سپهرشهرت یافته است.<sup>۶</sup> این از آن روست که نویسنده در مقاله خود از مأخذ معتبر و کهنی که ضربت خوردن امام را در محراب و حین نماز گزارش کرده‌اند، خبر نمی‌دهد. از یک سو ضربت خوردن امیرالمؤمنین را در نزدیک در مسجد نقل می‌کند و از سوی دیگر نقل مذکور در بحار را تخطئه می‌کند و حتی تصریح می‌کند که از بهمان گفتار فلان نویسنده «بعضی گمان کرده‌اند مقصود این نویسنده این است که امام در حال نماز ضربت خورد در حالی که چنین نیست بلکه او گفته مورخان را بازگو کرده است که گفته‌اند: امام وقتی که از کوچه وارد مسجد می‌شد... ابن ملجم به وی حمله کرد و از پیش رو به سرش ضربت زد».<sup>۷</sup>

اما آیا به راستی، گفته‌همة «مورخان» همین است که آقای صالحی نجف آبادی ادعا می‌کند؟ آیا شهادت امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - در حال نماز و در محراب عبادت، شایعه‌ای است که در دوران متأخر پدید آمده؟ نگاهی - حتی شتابزده - به متون تاریخی و روایی و جز آن نشان می‌دهد که چنین نیست و نویسنده نقل‌های مهم و معتبری را ندیده، یا نادیده گرفته است.

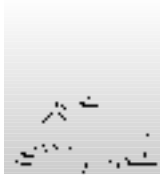
شماری از گفتارهایی را که به ضربت خوردن امیرمؤمنان علی - علیه السلام - در نماز یا در محراب مسجد اشاره دارند، در اینجا می‌آوریم و به تأکید خاطر نشان می‌کنیم که جمع‌آوری این گزارش‌ها، نه به استقصای تام و نه به استمداد از لوح‌های فشرده رایانه‌ای، بلکه در یک تتبع شخصی کوتاه صورت گرفته است:

محرم ۱۳۸۵؛ «گوشه‌ای از سیاست خارجی اسلام» (خرداد ۱۳۴۲ / محرم ۱۳۸۳)؛ «یک نیروی مرموز» (ربیع الأول ۱۳۷۹)؛ «رابطه حقوق و اخلاق» (اردیبهشت ۱۳۳۸ / شوال ۱۳۷۸)؛ «بانوی مهربان در کنار پدر» (جمادی الثانیة ۱۳۷۹)؛ «علی [علیه السلام] مردی که دنیا او را نشناخت» (دی ۱۳۴۰ / رجب ۱۳۸۱)؛ «عید غدیر یا روز و لایت عهدی علی (ع)» (خرداد ۱۳۴۰ / ذی الحجّة ۱۳۸۰)؛ «آیا علی [علیه السلام] قاتل خود را بیدار کرد؟» (دی ۱۳۴۵ / رمضان ۱۳۸۶)؛ «علی (ع) در بستر شهادت» (اسفند ۱۳۳۹ / رمضان ۱۳۸۰)؛ «فاطمه [سلام الله علیها] بانوی نمونه» (مهر ۱۳۴۰ / جمادی الأولى ۱۳۸۱)؛ «یک امتیاز روشن قرآن» (اسفند ۱۳۴۰ / رمضان ۱۳۸۱)؛ «مقایسه تواریخ قرآن با کتب عهدین» (خرداد ۱۳۴۱ / محرم ۱۳۸۲)؛ «وحدت اسلامی» (فروردین ۱۳۶۳ / جمادی الثانیة ۱۴۰۴).

در میان این مقالات، به ویژه به سبب ارتباط با نوشتاری که در دست ترجمه داشتم، مقاله «آیا علی [علیه السلام] قاتل خود را بیدار کرد؟» بیش از همه توجهم را جلب کرد و مطالعه این مقاله مرا به تسطیر مقالی که می‌خوانید برانگیخت.

موضوع اصلی مقاله آقای صالحی پاسخ به سؤالی است در باب برخی جزئیات منقول درباره شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام. لیک مع الأسف سیاق مقاله تا اندازه‌ای خود شبهه برانگیز و، به خصوص در باب محل ضربت خوردن امام علیه السلام، موهم مدعایی نادرست و پنداری باطل شده است.

شخص غیر متخصصی که این مقاله را بخواند - بویژه با ذیلی که بر مقاله افزوده شده<sup>۵</sup> - باور ضربت خوردن امیرمؤمنان - علیه السلام - نه در محراب عبادت و نه در حال نماز، بلکه نزدیک در ورودی مسجد



□ دریکی از زیارتنامه های جامعه<sup>۸</sup> مروی از معصوم - علیه السلام - می خوانیم:

«یا موالی قُلُوبِ عَائِنِكُمْ الْمُضْطَفَى وَ... وَ أَنْتُمْ بَيْنَ صَرِيحِ فِي الْمِحْرَابِ قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ، وَ شَهِدَ فَوْقَ الْجَنَازَةِ قَدْ شَكَّتْ أَكْفَانُهُ بِالسَّهَامِ، وَ قَتِيلِ بِالْعَرَاءِ قَدْ رُفِعَ فَوْقَ الْقَنَاةِ رَأْسُهُ، وَ مَكْبَلِ فِي السَّجْنِ قَدْ رُضَّتْ بِالْحَدِيدِ أَعْضَاؤُهُ، وَ مَسْمُومٍ قَدْ قَطَّعَتْ بِجَرَعِ السَّمِّ أَمْعَاؤُهُ، وَ شَمَلِكُمْ عِبَادِيذُ تَفْنِيهِمُ الْعَبِيدُ وَ أَنْبَاءُ الْعَبِيدِ...»<sup>۹</sup> به نظر می رسد فقره «صریح فی المِحْرَابِ قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ» ناظر به ضربت خوردن امیرمؤمنان علی - علیه السلام - در محراب مسجد کوفه باشد.

□ ابوبکر عبدالله بن محمد بن عبید قرشی بغدادی (۲۰۸ - ۲۸۱ ق) معروف به ابن ابی الدنیا - که محدثی پرکار و واعظی چیره دست و نامدار بوده و چندی نیز مؤدب معتضد عباسی و سپس مؤدب پسرش مکتفی بوده است - در مقتل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه [و سلام الله علیه] می آورد:

«حدثنا الحسين حدثنا عبد الله قال: حدثني أبي - رحمه الله - عن هشام بن محمد، قال: حدثني رجل من النخع عن صالح بن ميثم عن عمران بن ميثم عن أبيه [قال]: إن علياً خرج [إلى صلاة الصبح] فكبر في الصلاة ثم قرأ من سورة الأنبياء إحدى عشرة آية ثم ضربه ابن ملجم من الصف على قرنه فشذ عليه الناس وأخذوه وانتزعوا السيوف من يده وهم قيام في الصلاة وركع على ثم سجد، فنظر ثم إليه ينقل رأسه من الدم إذا سجد من مكان إلى مكان ثم قام في الثانية، فقلب [كذا] فحفف القراءة ثم جلس فتشهد ثم سلم وأسند ظهره إلى حائط المسجد»<sup>۱۰</sup>

«حدثنا الحسين حدثنا عبد الله قال: حدثني أبي عن هشام بن محمد قال: حدثني عمر بن عبد الرحمن بن نفع بن جعدة بن هبيرة: أنه لما ضرب ابن ملجم علياً عليه السلام و هو في الصلاة تأخر فدفع في ظهر جعدة بن هبيرة، فصلى بالناس، ثم قال علي: علي بالرجل. فأنتي [به]، فقال [له]: أي عدو الله، ألم أحسن إليك وأصنع وأصنع؟ قال: بلى. قال: [ف] ما حملك على ما صنعت؟ قال: شحذت سيفي أربعين يوماً ثم دعوت الله أن أقتل به شر خلقه؟ فقال علي: ما أراك إلا مقتولاً به و ما أراك إلا شر خلقه. فقيل ابن ملجم بذاك السيوف»<sup>۱۱</sup>

□ پور خنبل در فضائل الصحابة از لیث بن سعد نقل کرده است:

«إن عبد الرحمن بن ملجم ضرب علياً في صلاة الصبح على دهن بسيف كان سمه بالسهم»<sup>۱۲</sup> ابن عساکر دمشقی هم خبر لیث بن سعد را در تاریخ دمشق روایت کرده است.<sup>۱۳</sup>

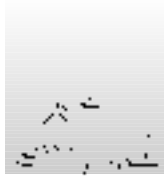
□ در الفتوح ابن اعثم (در گذشته در حدود ۳۱۴ ق) می خوانیم: «... و أذن على - رضی الله عنه - و دخل المسجد، فجعل ينبه من في المسجد من النيام، ثم صار إلى محرابه فوقف فيه، فافتتح الصلاة وقرأ، فلما ركع وسجد سجدة و استوى قاعداً، و أراد أن يسجد الثانية، ضربه ابن ملجم ضربة على رأسه، فوقت الضربة على الضربة التي كان ضربها عمرو بن عبدود يوم الخندق بين يدي النبي - صلى الله عليه [وآله] و سلم...»<sup>۱۴</sup>

□ فقیه و محدث بزرگ امت، ابن بابویه - مشهور به شیخ صدوق (در گذشته در ۳۸۱ ق) - در کتاب پیرارج عیون أخبار الرضا در حدیثی طولانی از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم پس از سخنانی که درباره ماه رمضان فرمودند و پاسخی که به پرسش امیرالمؤمنین گفتند، گریستند. حضرت امیر سبب گریه رسول خدا را جویا می گردد و آن حضرت در پاسخی می فرماید: «یا علی ابی لکي لما يستحل منك في هذا الشهر، كآني بك و أنت تصلي لربك و قد انعت أشقى الأولين و الآخرين، شقيق عاقرة ناقة ثمود، فضربك ضربة على قلبك، فخضب منها لحياتك»<sup>۱۵</sup>

□ در أمالی شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی قدس الله روحه العزیز - در حدیثی از امام زین العابدین علی بن الحسین - علیهما السلام - آمده است:

«لما ضرب ابن ملجم - لعنه الله - أمير المؤمنين علي بن أبي طالب - عليه السلام -، و كان معه آخر فوقت ضربة على الحائط، و أما ابن ملجم فضربه فوقت الضربة و هو ساجد على رأسه على الضربة التي كانت...»<sup>۱۶</sup>

□ شیخ جلیل، ابوالفتوح رازی، قدس الله روحه العزیز -، در تفسیر روض الجنان و روح الجنان آورده است: «... شب نوزدهم ماه رمضان. امیرالمؤمنین به مسجد جامع آمد به نماز بامداد، و او [= ابن ملجم] همه شب رصد کرده بود. چون او [= امیرالمؤمنین علیه السلام] در نماز ایستاد و الحمد بخواند و از سوره الانبیاء یازده آیت، او [= ابن ملجم] تیغ بزدیر مقدم سرا و جراحی عظیم کرد. امیرالمؤمنین - علیه السلام -



نماز سبک بکرد و سلام باز داد و گفت: فُزْتُ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ، به خدای کعبه که ظفر یافتیم»<sup>۱۷</sup>.

□ ابن عبدالبرِ نمری قرطبی (۳۶۳ - ۴۶۳ ق) نیز به این قول اشاره می‌کند که امیرمؤمنان علی - علیه السلام - هنگام نماز ضربت خورده است: «واختلفوا أيضاً هل ضربه في الصلاة أو قبل الدخول فيها، وهل استخلف من اتم بهم الصلاة أو هو أتمها، والأكثر أنه استخلف جعدة بن هبيرة فصلّى بهم تلك الصلاة، والله أعلم»<sup>۱۸</sup>.

□ ادیب و جهانگرد آگاه از فقه و حدیث، ابوالحسن محمد بن احمد بن جبیر (۵۴۰ - ۶۱۴ ق)، در سفرنامه مشهور خویش در وصف مسجد کوفه می‌نویسد: «... در سمت راست نسبت به قبله محرابی است که با ستون‌های ساج برآورده‌اند و از کف رواق بالاتر است چنان که گویی (خود) مسجدی است کوچک و همان محراب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است - رضی الله عنه -، و در آن جایگاه بوده که شقاوت پیشه ملعون، عبدالرحمان بن ملجم، آن حضرت را به شمشیر زده است، ...»<sup>۱۹</sup>.

□ محدث، فقیه، خطیب، قاضی و مناقب نگار نامی، شیخ کمال‌الدین محمد بن طلحه شافعی (۵۸۲ - ۶۵۲ ق)، در مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول در گزارش شهادت امیرمؤمنان آورده است: «... وَأَذَّنَ عَلِيٌّ وَدَخَلَ الْمَسْجِدَ، فَجَعَلَ يَبْتِهَ مِنْ بِالْمَسْجِدِ مِنَ النَّيَامِ، ثُمَّ صَارَ إِلَى مِحْرَابِهِ، فَوَقَّفَ فِيهِ وَاسْتَفْتَحَ وَقَرَأَ، فَلَمَّا رَكَعَ وَسَجَدَ سَجْدَةً، ضَرَبَهُ عَلَى رَأْسِهِ، فَوَقَعَتِ الضَّرْبَةُ عَلَى ضَرْبَةِ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِوَدَّ يَوْمَ الْخندقِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)...؛ وسقط - عليه السلام - لما به، تسامخ الناس بذلك وقالوا: قُتِلَ أمير المؤمنين - عليه السلام -، ...»<sup>۲۰</sup>.

علامة محقق، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی - قدس سره - نیز در کشف الغمّه این گفتار شیخ کمال‌الدین محمد بن طلحه را نقل کرده است.<sup>۲۱</sup>

□ شیخ جمال‌الدین یوسف بن حاتم شامی - قدس سره -، از اعلام سده هفتم و از شاگردان محقق حلی - اعلی الله مقامه الشریف، در کتاب قیم الدرّ النظیم فی مناقب الأئمة اللّهمیم [علیهم السلام] آورده است:

«حدّث ثابت بن أبی صفيّة، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن

نباته، قال: قال أمير المؤمنين - عليه السلام: لما خَضَبَ رسولُ الله صلى الله عليه وآله لحيتَه بسوا، قُلْتُ: يا رسول الله، ما أحسنَ هذا الخضاب، أَفلا أخضَبَ لحيتي اقتداءً بِكَ؟ فقال: لا، يا عليّ، دعها فسيبعثُ بعدى أشقى الأولينَ وَالأخريين شقيقُ عاقِرِ ناقةِ صالح، فيضربُكَ على رَأْسِكَ ضَرْبَةً يَخضِبُ مِنها لِحيتَكَ وَ أَنْتَ في السُّجودِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...»<sup>۲۲</sup>

همو در همان کتاب آورده است: «... وَ دَنَا أمير المؤمنين - عليه السلام - إِلَى الصَّلَاةِ، فَحَمَلَ عِدْوُ اللَّهِ فِي ظِلْمَةِ اللَّيْلِ وَ ظِلْمَةِ الْمَسْجِدِ، فَضْرَبَهُ عَلَيَّ هَامِيَةً فَخَرَّ صَرِيحاً، وَ أَقْبَلَ الْمُسْلِمُونَ وَ قالوا: قُتِلَ أمير المؤمنين...»<sup>۲۳</sup> و باز در جای دیگر از همان اثر می‌گوید:

«... فَلَمَّا فَرَعَ عَلَيٌّ - عليه السلام - مِنَ الْأَذَانِ وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ صَفَّ قَدَمَيْهِ - عليه السلام - لِيصَلِّيَ وَ كَانَ إِذَا سَجَدَ أَطَالَ سَجُودَهُ، فَعَمِدَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ - لَعَنَهُ اللَّهُ - إِلَى السَّيْفِ، فَاسْتَخْرَجَهُ مِنْ غَمْدِهِ وَ هَزَّهُ وَ عَلَا بِهِ هَامَتَهُ - عليه السلام - وَ هُوَ ساجِدٌ، فَاسْتَوَى - عليه السلام - قائماً ثُمَّ نادى: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ، وَ أَقْبَلَ بِخَضِيبِ شَيْبَتِهِ بَدْمَهُ وَ يَقُولُ: بِهَذَا أَخْبَرَنِي حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وآله -، ...»<sup>۲۴</sup>

□ مورخ و جهانگرد مالکی مذهب، ابن بطوطه (۷۰۳-۷۷۹ ق)، در سفرنامه بلند آوازه اش می‌نویسد: «[در] مسجد کوفه... محرابی وجود دارد که گرداگرد آن را با چوب‌های ساج بلند گرفته‌اند و آن محراب علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - بود که ابن ملجم شقی در همین جا بر سر آن حضرت زخم زد...»<sup>۲۵</sup>

□ در کنز العمال علاء‌الدین علی متقی بن حسام‌الدین هندی آمده است:

«عن الزهري أن ابن ملجم طعن علياً حين رفع رأسه من الركعة فانصرف وقال: «أتموا صلواتكم» ولم يقدّم أحداً»<sup>۲۶</sup>.

این گفتارها که از قدیم‌ترین روزگاران در نگارش‌های تاریخی و حدیثی مسلمانان آمده، حاکی از آن است که «گفته مورخان» در این باب، اجماعی یکپارچه بر خلاف این خبر متداول و مشهور نیست و منشأ این تداول و شهرت، نقلی از قرون اخیر و از کتابی - به تعبیر آقای صالحی نجف‌آبادی - «مجهول المؤلف» و «مجهول التاريخ» و آمیخته با افسانه‌ها برگرفته نشده است. چنانکه مشاهده کردیم، در این گفتارها

آقای استادی مراجعه فرمایند. آنچه صاحب این قلم را تا حدودی به شگفت در می آورد آن است که ده‌ها سال پیش پاره‌ای از همین نصوص که ما در مقاله خود آوردیم و پاره‌ای توضیحات دیگر، پیش روی آقای صالحی قرار داده شده است و ایشان قاعداً باید در می‌یافت که در نظر یا تعبیر وی خللی هست.

نادیده گرفتن این نقدها و چاپ مجدد این اثر به همان صورت قبل، چه معنایی دارد؟ نمی‌گویم - هر چند گفتنی است - که آقای صالحی چرا قولی را بر قول دیگر ترجیح داده و ملاحظه ننموده که پاره‌ای از مأثورات معصومان - علیهم السلام - نیز مؤید قولی است که او وامی‌نهد؟ سخن فراتر از اینهاست. سخن اینجاست که چرا آقای صالحی نجف‌آبادی، تصریح منابع کهن را به ضربت خوردن امیرمؤمنان علیه‌السلام در حال نماز و اشارتی را که در منابع قدیم به محراب عبادت است، نادیده می‌گیرد؟ آیا قصد او تحقیق تاریخی و دینی است یا ماجراجویی و هیاهوگری؟ تحقیق تاریخی با «سانسور کردن» منابع در نمی‌سازد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. بنگرید به رویارویی فکری ایران با مدرنیت، فرزین وحدت، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۶۷. مقدمه مؤلف بر چاپ فارسی در هاروارد امضا شده است.
۲. بنگرید به پشت جلد مجموعه مقالات حقوقی، تاریخی، اجتماعی، صالحی نجف‌آبادی، (چ ۲، تهران: امید فردا، ۱۳۸۲ ش).
۳. نام اثر بر روی جلد و عطف چنین است، ولی در صفحه عنوان مجموعه مقالات سیاسی، تاریخی، اجتماعی و در برگه فهرست نویسی مجموعه مقالات و دیگر هیچ!
۴. در صفحه شناسنامه نسخه‌ای که راقم این سطور در اختیار دارد، آمده: «چاپ دوم - سال ۸۲» و در برگه فهرست نویسی کتاب نیز «۱۳۷۸» قید شده است.
۵. بنگرید به مجموعه مقالات حقوقی، تاریخی، اجتماعی، ص ۱۲۵.
۶. قیاس کنید با همان، ص ۱۲۳.
۷. همان، ص ۱۲۵.
۸. اغلب وقتی از «زیارت جامعه» سخن می‌رود، اذهان به «زیارت

تصریح به ضربت خوردن امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در حال نماز و در محراب، حتی در قول مأثور از معصوم علیه‌السلام نیز آمده است (چه به صورت اخبار از آینده و چه به صورت اخبار از گذشته).

اظهار نظر در این باره بدون مراجعه به این مأخذ و اقوال، شرط تتبع نیست آیا مخالفت با یکی از مشهورات تاریخی و عقیدتی شیعه، آن اندازه خطرناک است که نویسنده تتبع در این مأخذ را و جبهه همت سازد و اگر چنین مجال یا حوصله یا همتی نداشته لا اقل از اظهار نظر خودداری کند؟ زمانی که نخستین بار مجموعه مقالات را تورق کردم و به این نقصان خطیر در گزارش تاریخی ضربت خوردن امیرمؤمنان علیه‌السلام برخورد کردم، بنا بر قاعده اخلاقی «حمل بر صحت»، آقای صالحی را به هیچ روی متهم نساختم و صرفاً وی را سزاوار این نقد دانستم که با تتبع ناقص و ناتمام خود، با یک خبر تاریخی - عقیدتی زبانزد و متداول مخالفت کرده است. اما با انتشار کتاب سرگذشت کتاب شهید جاوید<sup>۲۷</sup> به قلم آیت‌الله حاج شیخ رضا استادی متوجه نکته‌ای شدم که هویت تازه‌ای به این موضوع می‌بخشد.

آقای استادی در سرگذشت کتاب شهید جاوید پاره‌ای از سوابق قلمی و مطبوعاتی آقای صالحی را ذکر می‌کند و از مقاله «آیا علی [علیه‌السلام] قاتل خود را بیدار کرد؟» نیز سخن به میان می‌آورد و متن این مقاله را که در «شماره دوم سال هشتم مجله مکتب اسلام» منتشر شده است، نقل می‌کند.<sup>۲۸</sup> نکته جدید و جالب توجه برای امثال من که دوره مجله مکتب اسلام را در دسترس ندارند، آن است که به نوشته استادی: «در شماره چهارم همان مجله در همان سال، انتقاد به آن [انتقاد به مقاله آقای صالحی] از نویسنده دیگر و سپس توضیحی از خود آقای صالحی به چاپ رسید».<sup>۲۹</sup>

بنابراین، تقریباً چهل سال پیش از این صاحب قلمی مقاله آقای صالحی را در همان روزگار نقد کرده و در همان مجله به چاپ رسانده است؛ آن هم در شماره‌ای که خود آقای صالحی نیز توضیح و تکمیلی در باب مقاله‌اش نوشته است. خوشبختانه آقای استادی کار مراجعان را سهل کرده و متن نقد و توضیح آقای صالحی را هم در کتاب خود آورده است.<sup>۳۰</sup> نوشته ناقد تحت عنوان «علی علیه‌السلام در کجا شهید شد؟» و توضیح آقای صالحی تحت عنوان «آیا امام علیه‌السلام در محراب ضربت خورد؟» ذکر شده است.

طالبان تفصیل این دو مکتوب می‌توانند به کتاب حقیقتاً خواندنی

- جامعه کبیر» انصراف می یابد؛ لیک باید دانست زیارت جامعه کبیره یکی از زیارت های جامعه است. درباره زیارت های جامعه بنگرید به: دایرة المعارف تشیع، ج ۸، ص ۵۶۷ مقاله «زیارت جامعه» به قلم سید مهدی حائری؛ مصباح الزائر [و جناح المسافر]، رضی الدین علی بن موسی بن طاووس، تحقیق و طبع: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ط: ۱، قم: ۱۴۱۷ ق، ص ۴۶۰ به بعد؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۶-۲۰۹.
۹. مصباح الزائر [و جناح المسافر]، رضی الدین علی بن موسی بن طاووس، ص ۴۶۴-۴۶۵؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۶-۱۶۷.
- علامه مجلسی (ره) این زیارتنامه را، هم از مصباح ابن طاووس (ره) و هم از المزار الكبير نقل فرموده است. در این اوان ما المزار الكبير را در دسترس نداشتیم تا نشانی زیارتنامه را در آن نیز به دست دهیم. خواهندگان خود مراجعه فرمایند.
۱۰. کتاب مقتل الامام اميرالمؤمنين علی بن ابی طالب (عليه السلام)، ابوبکر عبدالله بن محمد بن عبید معروف به ابن ابی الدنيا، تحقیق الشيخ محمد باقر المحمودی، مجمع احياء الثقافة الإسلامية، ط: ۱، طهران: ۱۴۱۱ ق، ص ۳۰.
۱۱. همانجا.
۱۲. موسوعة الامام علی بن ابی طالب عليهما السلام فی الكتاب و السنة، محمد الری شهری، ط: ۱، ۱۴۲۱ ق، بیروت: دارالحدیث، ج ۷، ص ۲۳۸.
۱۳. بنگرید به ترجمه الامام علی بن ابی طالب عليهما السلام من تاریخ مدينة دمشق، تحقیق محمودی، ط: ۳، بیروت: ۱۴۰۰ ق، ج ۳، ص ۳۶۱.
۱۴. الفتوح، ابو محمد احمد بن اعثم الكوفی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ط: ۱، ۱۴۰۶ ق؛ مجلد دوم (ج ۳ و ۴)، ص ۲۷۹-۲۸۰.
۱۵. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، ج: ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۶۰۰.
۱۶. الأمالی، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق علی اکبر الغفاری و بهراد الجعفری، ط: ۱، طهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۱ ش، ص ۵۴۳-۵۴۴.
۱۷. روض الجنان و روح الجنان، حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری مشهور به ابوالفتوح رازی، به کوشش و تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، ج: ۲، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی (ع)، ۱۳۷۸ ش، ج ۸، ص ۲۸۵.
۱۸. الاستیعاب (چاپ شده در هامش الاصابه ابن حجر عسقلانی، طبع قدیم صورت بسته به نفقه سلطان مغرب اقصى که داراحیاء التراث العربی افست کرده)، ج ۳، ص ۵۹.
۱۹. سفرنامه ابن جبیر، محمد بن احمد بن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، ج: ۱، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (ع)، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. مطالب السؤول فی مناقب ال الرسول [صلی الله علیه و علیهم و سلم]، الشيخ کمال الدین محمد بن طلحة الشافعی، تحقیق: ماجد بن احمد العظیة، ط: ۱، بیروت: مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۶۵/۱.
۲۱. بنگرید به كشف الغمة فی معرفة الأئمة [عليهم السلام]، العلامة أبي الحسن علی بن عیسی الاربلی، بیروت: دارالأضواء [افست از روی چاپ نجف]، ج ۲، ص ۶۴.
۲۲. الدرّ النظیم، فی مناقب الأئمة الهمام [عليهم السلام]، الشيخ جمال الدین یوسف بن حاتم الشامی، تحقیق و طبع: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة)، ط: ۱، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۱۱-۴۱۲.
۲۳. همان، ص ۴۱۴.
۲۴. همان، ص ۴۱۷-۴۱۸.
۲۵. سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمد علی موحد، ج: ۶، تهران: آگاه، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۲۷۰.
۲۶. كنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ضبطه و فسر غریبه: الشيخ بکری حیانی، صححه و وضع فهارسه و مفتاحه: الشيخ صفوة السقا، ط: ۵، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۳، ص ۱۹۰.
۲۷. مشخصات کتاب شناختی آن از این قرار است: سرگذشت کتاب شهید جاوید، رضا استادی، قم: قدس، پاییز ۱۳۸۲ ش.
۲۸. بنگرید به سرگذشت کتاب شهید جاوید، ص ۱۲۲-۱۲۸.
۲۹. همان، ص ۱۲۲.
۳۰. بنگرید به همان، ص ۱۲۹-۱۳۳.